

# طلایه داران

دکتر حسین لاری یزدی

## اشاره

تعدادی از برگزیدگان المپیادهای کشوری و جهانی که هم‌اکنون در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل‌اند، به‌عنوان عضو هیئت علمی، مسئول آزمایشگاه یا دستیار آزمایشگاه با این المپیاد جهانی همکاری

کردند. فرصت را غنیمت شمردیم و از برخی از آنان خواستیم

هر چه می‌خواهند دربارهٔ این المپیاد جهانی، المپیاد زیست‌شناسی کشوری یا

وضعیت زیست‌شناسی در ایران بگویند. آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای است از گفته‌های آنان. در این

متن منظور از IBO المپیاد جهانی زیست‌شناسی است.

## کلیدواژه‌ها: المپیاد زیست‌شناسی، ایران، IBO.

بود. به نظرم از این به بعد IBO وارد دورهٔ جدید خواهد شد، اگر بخواهد این سبک سؤالات ادامه پیدا کند. امسال سؤالات سخت‌تر و مفهومی‌تر و تفکر برانگیزتر شده بود. سعی شده بود که کمترین تأکید روی محفوظات دانش‌آموزان باشد و بیشتر قدرت تحلیل آن‌ها و بچه‌ها را بسنجند. یکی دیگر از خوبی‌های IBO امسال این بود که توزیع سؤالات در موضوعات مختلف واقعاً متوازن انجام شده بود؛ یعنی مثلاً توی مبحث جانوری تقریباً از تمامی مباحث فیزیولوژی یک نمونه سؤال داشتیم؛ از تمامی مباحث سیستماتیک یک نمونه سؤال داشتیم یعنی این‌طوری نبود که تمرکز سؤالات برخلاف بعضی از دوره‌های IBO، روی موضوع‌های خاص باشد. مراسم افتتاحیهٔ خیلی خوبی داشتیم. محل‌های اسکان هم خیلی خوب بود، هم برای سرپرستان و هم برای دانش‌آموزان، برخلاف بقیهٔ IBOها. چون ما در بعضی از سال‌ها دیدیم که محل اسکان دانش‌آموزان شرایط واقعاً مناسبی نداشته از جمله سال ۲۰۱۲ که خود من بودم. یکی دیگر از نقاط قوتی که می‌توانم به آن اشاره کنم، برگزاری آزمایشگاه بود که خیلی



شهریار فغانی دارندهٔ مدال طلای

کشوری سال ۱۳۹۰ و مدال نقرهٔ

جهانی در سال ۲۰۱۲ در سنگاپور

است. او اکنون دانشجوی علوم

پزشکی تهران است و در طراحی

پرسش‌های زیست‌شناسی جانوری

با کمیتهٔ علمی بیست‌ونهمین المپیاد

جهانی زیست‌شناسی همکاری

داشته است.

یکی از نقاط قوت IBO امسال این بود که سطح سؤالات آن نسبت به بقیهٔ IBOها خیلی بالاتر



ما این جوروی بود: یک سری سؤالات خیلی سخت داشت، یک سری سؤالات متوسط و یک سری سؤالات نسبتاً آسان.



**علیرضا مجد دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران از افراد برگزیده المپیاد زیست‌شناسی کشور است. او دارنده مدال طلای کشوری در سال ۱۳۹۰ و مدال نقره جهانی سال ۲۰۱۲ سنگاپور بوده است. علیرضا مجد چندین سال است که عضو کمیته علمی المپیاد زیست‌شناسی کشور است.**

من فکر می‌کنم که یکی از پیامدهای زندگی سریع و رقابتی جامعه‌های انسانی اخیر این بوده که هر کدام از افراد جامعه به احتمال کمتری در مسیری قرار خواهند گرفت که آن مسیر مورد علاقه خودشان است و خوب با احتمال بیشتری همه انسان‌ها دارند در جاده‌ای حرکت می‌کنند که به نوعی زندگی تعریف شده استناد دارد برسند. این اتفاق، اتفاق بدی است، چون هر کسی که به شغلش علاقه داشته باشد، چندین برابر افراد دیگر بازده خواهد داشت، چندین برابر افراد دیگر خلایقیت به خرج خواهد داد، چندین برابر کمتر از افراد دیگر خسته خواهد شد و چندین برابر افراد دیگر شادتر خواهد بود. حالا در این شرایط، هر پدیده‌ای که بتواند ما را از این اتفاق بد دور کند و جلوی این اتفاق را بگیرد هم بسیار قابل احترام خواهد بود و هم بسیار نجات‌بخش. به نظر من المپیاد یکی از مثال‌های بارز این قضیه است. المپیاد فارغ از اینکه عنوانی قهرمانی باشد و فارغ از اینکه یک مدال باشد، که البته هر دوی آن‌ها جزء جدایی‌ناپذیری از المپیاد هستند، ولی وقتی به بار خواهد نشست و همان‌طور که تا به امروز

مرتب، منظم، تقریباً با خطای خیلی خیلی پایین چه در برگزاری و چه در تصحیح که واقعا به نظر می‌آید در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده است. به نظر من نقش IBO در گسترش دانش زیست‌شناسی این است که باعث می‌شود تا کسانی که در این حیطه ورود پیدا می‌کنند به یک دیدگاه کل‌نگر در رابطه با زیست‌شناسی برسند. یعنی اولاً زیست‌شناسی را در تمام سطوح ببینند، یعنی از سطح مولکولی، سلولی، جانور، گیاه، اکوسیستم، بیوسفر، و هم باعث می‌شود تا بچه‌ها روی موضوعات مختلف بتوانند فکر کنند؛ یعنی به یک مسئله که دارند فکر می‌کنند، بتوانند از جنبه‌های شیمیایی یا فیزیکی نگاه کنند؛ یعنی در سؤالات المپیاد ارتباط بین رشته‌های علوم تجربی را داریم برقرار می‌کنیم و بچه‌ها با تمرین کردن در این زمینه، قبل از ورود به کار جدی پژوهشی و تحصیلی آینده‌شان، نحوه سیستمی فکر کردن و نحوه ارتباط با علوم را یاد می‌گیرند.

دیگر اینکه بچه‌ها با پیشرفت‌های روز زیست‌شناسی آشنا می‌شوند. به خاطر اینکه برخلاف روند معمول که بچه‌ها یک کتاب درسی را می‌خوانند که ممکن است سال‌ها از چاپش گذشته و خیلی مطالب مختصر و کمی در آن وجود داشته باشد، بچه‌ها با منابع مختلف و جدید هر رشته آشنا می‌شوند و با پیشرفت‌هایی که در هر شاخه از زیست‌شناسی دارد انجام می‌شود و با تکنیک‌های جدید و به‌روزی که دارد استفاده و ابداع می‌شود، اینکه اصلاً روند زیست‌شناسی به کدام سمت است. آینده علوم زیستی به کدام سمت خواهد رفت. این مباحث در المپیاد برجسته می‌شوند. به خاطر اینکه بچه‌ها خیلی زودتر از آن سنی که به‌طور معمول مردم با آن آشنا می‌شوند، با این مباحث در تماس قرار می‌گیرند.

از نقاط ضعف سؤالات IBO ۲۰۱۸ بخواهم بگویم، یکی این است که به نظرم درجه سختی سؤالات در مباحث مختلف یکسان توزیع نشده بود، یعنی اگر ما ۴ قسمت کلی را در نظر بگیریم، در یک سری از بخش‌ها، یک سری از موضوعات واقعا سخت‌تر بود و این باعث می‌شد تا بچه‌ها بعد از گذراندن یک بخش، به لحاظ فکری خسته شوند و دیگر نتوانند برای بخش‌های دیگر خوب فکر کنند. به نظرم خیلی بهتر می‌شد اگر سؤالات همه بخش‌ها یک‌دست‌تر بود.

یعنی همه بخش‌ها هم سؤالات خیلی سخت داشتند، هم سؤالات متوسط و هم سؤالات آسان که برخلاف این دیده شده بود؛ ولی به‌طور کلی آزمون



هم وقتی به بار می‌نشیند که علاقه‌مندان این رشته فارغ از اینکه در این مسیر موفق شده‌اند یا نشده‌اند، قبول شدند یا نشدند، مدالی گرفته‌اند یا نگرفته‌اند، رنگ مدالشان چی هست. فقط در این مسیر قدم برداشته باشند، در این مسیر رشد کرده باشند، در این مسیر فارغ‌التحصیل شده باشند، در این مسیر مشغول شده باشند و آنجاست که همه ما نتیجه دلنشین المپیاد را خواهیم دید. المپیاد زیست‌شناسی در طول این دو دهه‌ای که در ایران وجود داشته با ایجاد همین شور و همین انرژی و همین موجی که در دانش‌آموزان کشور ایجاد کرده، به آن‌ها این را اثبات کرده که می‌توانند در مسیر مورد علاقه‌شان قدم بردارند. می‌توانند با آن موفق باشند و می‌توانند خطر نکنند و خیلی از این افراد قبل از اینکه وارد این ورطه بشوند، اصلاً نمی‌دانستند که چنین علاقه‌ای داشته‌اند، خیلی‌ها وقتی که در مسیر المپیاد در کنار هم قرار می‌گیرند. در واقع در قالب تیم، ایده‌های خیلی خوبی می‌توانند بسازند و این آشنایی‌هایی که در این مسیر پیدا می‌کنند، می‌تواند در آینده خیلی کارساز باشد. من امیدوارم که همه ما بتوانیم از تنه این درخت المپیاد مراقبت بکنیم تا در آینده میوه‌هایی را که خواهد داد این قدر درخشان‌تر از هر رنگ مدالی باشد که چراغ راه همه ما باشد.



**مهديه حامدي اصل دارنده مدال  
طلای کشوری در سال ۱۳۹۴ و مدال  
برنز جهانی در سال ۲۰۱۶ در ویتنام  
است. او اکنون دانشجوی دانشگاه  
علوم پزشکی مشهد است.**

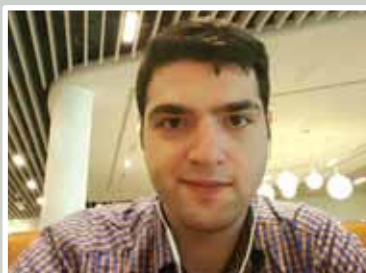
در رابطه با وضعیت المپیاد در ایران باید بگویم که این المپیاد واقعاً یک رقابت سالم و دوست‌داشتنی است. یک سری مزایا و یک سری معایبی قطعاً برای

هر کسی که شرکت می‌کند، وجود دارد و برای من هم وجود داشت. از معایبش شاید بشود گفت که مطالبش با مطالب درسی کاملاً متفاوت‌اند و در کنار درس مدرسه برای یک دانش‌آموز دبیرستانی گذراندن المپیاد شاید مقدار زیادی سنگین باشد که بخواهد هر دو موضوع را به‌صورت موازی پیش ببرد. خوب مطالبی که در بحث المپیاد وجود دارد، مطالب سنگینی است، شاید به راحتی قابل درک نباشد و از طرفی وقت زیادی گرفته می‌شود برای اینکه آن مطالب کاملاً روشن و تسلط کافی به دست آید؛ اما در کنار همه معایبی که وجود دارد، تعداد خیلی کمی هستند که هر سال قبول می‌شوند و آن افرادی که روی خودشان خیلی حساب می‌کنند یا انتظار قبولی دارند، اگر قبول نشوند از نظر روحی خیلی صدمه می‌بینند و این هم یکی دیگر از معایبش است، اما در کنار همه این معایب یک سری مزایایی هم وجود دارد که شاید برای خیلی‌ها از جمله خود من باعث شود که به المپیاد فکر کنیم و در واقع وارد شویم توی این حوزه و این مزایا در درجه اول امتیازاتی هست که برای هر فرد که مدالی به‌دست می‌آورد، در نظر گرفته می‌شود. برای افرادی که مدال نقره یا برنز به دست می‌آورند، سهمیه‌ای است که در دانشگاه در نظر گرفته شده و برای افرادی که در واقع دارنده مدال طلا هستند معافیت از کنکور و فرصت تجربه المپیاد جهانی وجود دارد. اما غیر از این مسئله دوستان جدیدی که در این راه پیدا می‌شود، مطالب خیلی عمیق و اساسی که درک می‌شد که شاید یک معضل اساسی است. در دانشگاه‌های ما الان که افراد زیاد کتاب نمی‌خوانند، یعنی همه پایه دانشگاه شده جزوه و حرف استاد در صورتی که واقعاً منبع اصلی کتاب است و در واقع دانشگاه‌ها ضعیف‌اند ولی در المپیاد ما این را به خوبی داریم، بچه‌ها اکثراً کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند، درگیر این هستند که این مطالب را بفهمند و از شان استفاده کنند و این در واقع خیلی تجربه خوب و جالبی است. غیر از این مطالب عمیقی است و ارتباطی که بین علوم پیدا می‌شود که خوب این هم کمتر وجود دارد. چه در دانشگاه‌ها و چه در مدرسه و در کل واقعاً این مزایا شاید بچربد به آن معایب و باعث شود که افراد بسیاری دنبالش را بگیرند. وضعیت زیست‌شناسی ایران هم اگر بخواهم بگویم در واقع دو بخش دارد به نظر من یکی اینکه وضعیت زیست‌شناسی در مدارس هست و المپیاد که در واقع می‌شود از مدرسه صرف‌نظر کرد؛ ولی



بودند، نو بودند و فضاهایی که در آن‌ها امتحانات برگزار شدند خیلی فضاهای مناسبی بودند. نسبت به سال‌های قبل کیفیت خوبی داشت و تنها مثلاً تفاوتی که شاید باعث اذیت شدن بچه‌های جهانی شده باشد، امسال یک کم سطح بالاتر المپیاد جهانی در ایران بود. خوب این هم طبیعتاً ناشی از این است که کلاً سطح المپیاد کشوری زیست‌شناسی در ایران نسبت به کشورهای دیگر خیلی بالاتر است و طبعاً وقتی اساتید می‌خواهند سؤال طراحی کنند این سطحی که در ایران طراحی می‌کنند تأثیر دارد و سعی می‌کنند سؤالات سطح بالاتر و سخت‌تری طراحی کنند. که خوب این باعث می‌شود که یک مقدار سطح سؤالات بالاتر باشد. ولی نهایتاً چون برای همه یک رقابت یکسان بوده و سختی آن قدر هم بالا نبود. می‌توانست بچه‌ها را از هم جدا کند. در مورد اینکه علم زیست‌شناسی در کشور ما چه وضعیتی دارد و به کجا می‌رود، می‌شود گفت که در سال‌های اخیر با ورود تکنولوژی‌های مختلف به کشورمان و ارتباط‌های جهانی که با کشورهای دیگر داشته‌ایم، علم زیست‌شناسی پیشرفت خوبی داشته است و شاخه‌های نوین علم زیست‌شناسی هم به مرور در کشورمان پیشرفت می‌کنند. شاخه‌هایی مانند زیست‌فناوری که ترکیبی از فناوری‌های جدید و زیست‌شناسی را با هم ترکیب کرده یا علوم مربوط به سلول‌های بنیادی استفاده آن‌ها در ایران در حال پیشرفت است و پیشرفت خوبی دارد. ولی چیزی که باعث سرعت کم پیشرفت این علم در کشور ما می‌شود، این است که در همه جای دنیا صنعت و علم مکمل همدیگرند و علم صنعت را جلو می‌برد و صنعت هم به تبع بودجه‌هایی که برای علم می‌گذارد و علم را جلو می‌برد. در کشور ما ارتباط علم و صنعت به قدری نسبت به کشورهای پیشرفته و توسعه یافته پایین‌تر است و شاید به علت این باشد که خیلی از صنعت‌های مربوط به علوم زیستی هنوز در ایران زیر ساخت‌هایش وجود ندارد و کم‌کم دارد پا می‌گیرد. اصولاً توی کشورهای خیلی توسعه‌یافته دانشگاه‌ها توسط شرکت‌های پول‌دار و عظیمی حمایت می‌شوند و اصلاً کسانی که توی زمینه خاصی از مثلاً زیست کار می‌کنند نگرانی پول و بودجه را به اندازه محققان ایرانی ندارند؛ چون این شرکت‌ها به خاطر هدفی که دارند و می‌خواهند برسند و خیلی بودجه‌های عظیمی را برای محققان در اختیار آن‌ها می‌گذارند که آن‌ها راحت کارشان را انجام دهند و نهایتاً نتیجه‌ای که این

در المپیاد وضعیت زیست‌شناسی بسیار خوب و قوی است. اینکه مطالب مختلفی گفته می‌شود و منابع بسیار قوی وجود دارد و واقعا ارزشمند است؛ اما در دانشگاه‌ها فکر نمی‌کنم به خوبی المپیاد باشد؛ چون که در واقع آن افرادی که برای زیست‌شناسی در دانشگاه اقدام می‌کنند شاید آن قدری علاقه‌مند نباشند. و صرف یک سری مسائلی آن رشته را انتخاب می‌کنند و اهمیتی که داده می‌شود به این رشته شاید آنقدر زیاد نباشد. فقط یک نکته‌ای که به نظر من وجود دارد که باید اصلاح شود، اگر نگاه کنیم به نتایج المپیاد، اکثراً افرادی هستند که از تهران هستند و خوب افراد و دانش‌آموزانی که از شهرهای دیگر قبول می‌شوند خیلی اندک‌اند اگر برنامه‌ای یا طرحی ریخته شود تا بچه‌های بقیه شهرستان‌ها هم بتوانند از این امکانات استفاده کنند، از استادهایی که تهران هستند و حالا این امکاناتی که وجود دارد و این یک‌دستی بیشتر شود، خیلی بهتر است. این را هم باید بگویم که در المپیاد زیست‌شناسی این ناهماهنگی خیلی خیلی کمتر است. در یک سری از المپیادهای دیگر تقریباً تمام دانش‌آموزان تهرانی هستند. در المپیاد زیست‌شناسی این‌طوری نیست در واقع تعادل بهتر رعایت شده اما باز هم به نظر من جا دارد که بهتر از این باشد.



**امین آراسته دانشجوی علوم پزشکی تبریز، برنده مدال طلای کشوری در سال ۱۳۹۱ و مدال طلای جهانی در سال ۲۰۱۳ در سوئیس است.**

به نظر من المپیاد جهانی امسال با کیفیت خوبی برگزار شد. شاید یک مقدار سطح سؤالات سخت‌تر از سال‌های قبل بوده باشد، ولی از لحاظ کیفیت برگزاری به خصوص در قسمت عملی، به علت اینکه تقریباً همه وسایل و تجهیزاتی که استفاده شده



محققین به دست می‌آورند را در صنعت‌شان استفاده کنند و به‌سود برسند. مثلاً نمونه‌ای که در ایران کم‌کم جا می‌افتد؛ مثلاً در مورد ایمونولوژی و تولید آنتی‌بادی‌هاست که تا حدودی صنعتی شده و جلو می‌رود، جایی که کم‌کم دارد به صنعتی شدن می‌رود. قسمت سلول‌های بنیادی و تولید بافت و اندام‌های مصنوعی با استفاده از سلول‌های بنیادی است که در ایران هنوز خیلی جا دارد ولی کم‌کم داره پیشرفت می‌کند؛ ولی در شاخه‌های دیگر مثلاً شاخه‌های مربوط به علوم گیاهی و شاید حتی علوم جانوری که مربوط به اکوسیستم‌ها باشد، خیلی در ایران دید صنعتی وجود ندارد که ببیند یک عده سرمایه‌گذاری کنند و از آن استفاده کنند و علم هم جلو برود و صنعت هم در کنار آن پیشرفت کند.

از لحاظ آموزش زیست‌شناسی هم به نظر من در سطح دانشگاهی خیلی شاهد آموزش زیست‌شناسی نبودم ولی پایه‌ها و اساس علاقه دانش‌آموزان به زیست‌شناسی از دبیرستان و راهنمایی شکل می‌گیرد. چیزی که در مورد نظام آموزشی ما می‌شود گفت و اینکه چه جوری ذهن بچه‌ها را نسبت به زیست‌شناسی شکل می‌دهد. این است که کتاب‌های درسی ما مطالب خیلی خوبی را در مورد زیست‌شناسی دارند. خیلی کتاب‌های جامعی هستند، خیلی از مطالبی که دارند، در بسیاری از کشورها هم به همان صورت تدریس می‌شود. شاید در بعضی جاها کتاب‌های ما تکمیل‌ترند، شاید از محدود ایرادات کتاب‌های ما آن است که در بعضی از جاها کمتر ما شاهد تصاویر جذاب هستیم. ولی چیزی که این آموزش زیست‌شناسی و ایجاد علاقه در بچه‌ها را برای زیست‌شناسی با مشکل مواجه می‌کند، به نظر من سبک ارزیابی آن‌ها در پایان دبیرستان، یعنی همان امتحان کنکور است. امتحان کنکور به مقدار خیلی زیادی روی حفظیات و نکات بسیار ریز کتاب تأکید دارد، نکاتی که شاید بعضاً حتی توی سؤالاتی خیلی علمی نباشد؛ یعنی استفاده از بعضی کلمات ریز برخی، همه و این جوری قیدهای ریز باعث می‌شود که بچه‌ها نتوانند از زیست‌شناسی به آن شکلی که هست استفاده کنند و واقعاً زیست‌شناسی یاد بگیرند.

الان بیشتر، بچه‌ها سعی می‌کنند کتاب را ریزه‌ریز حفظ کنند تا آن را بفهمند و این واقعاً بد است، چون باعث می‌شود که زیست‌شناسی واقعی را بچه‌ها نشناسند و ندانند آیا واقعاً علاقه دارند یا نه؟ شاید اگر

ارزیابی نهایی به کنکور تغییر کند و ساختار مفهومی‌تر و غیرحفظی‌تری پیدا کند آموزش زیست‌شناسی در سطح دبیرستان هم خیلی پیشرفت کند و الان هم حتی قسمت‌های عملی زیست‌شناسی هم برای بچه‌ها خیلی ملموس نیست؛ چون اصلاً مدارس وقت نمی‌گذارند و معلمان به خاطر نتیجه‌ای که در کنکور می‌خواهند کسب کنند برای بچه‌ها آن قسمت‌های عملی را اصلاً اجرا نمی‌کنند و اصلاً بچه‌ها هیچ دیدی نسبت به آزمایش‌ها و قسمت‌های عملی زیست‌شناسی ندارند و در نهایت امیدوارم که روزبه‌روز با پیشرفت مملکت و ورود علم‌های جدید و صنعت بیشتر در کشورمان علم زیست‌شناسی از توجه بیشتری برخوردار شود و نهایتاً بیشتر پیشرفت کند و سعی کنیم از پایه و از زمانی که بچه‌ها هنوز علم زیست‌شناسی را نمی‌شناسند، آن‌ها را با این علم آشنا کنیم که اگر کسی واقعاً علاقه دارد، بتواند به سمتش برود و در کشورمان جایگاه علم زیست‌شناسی را به جایی برسانیم که افراد علاقه‌مند راحت‌تر بتوانند بروند دنبالش و نگران آینده شغلی و زندگی معمولی و گذران زندگی خود نباشند.



**دکتر فرهاد پیشگر دارنده مدال طلای کشوری سال ۱۳۸۸ و مدال نقره جهانی در سال ۲۰۱۰ است.**

نگاه من به المپیادها همیشه به شکل یک فرصت بوده است و دانش‌آموزان دبیرستانی با پس‌زمینه دروس تئوری که در آن دارند و تلاشی که دارند برای کسب نتیجه مناسب در آزمون بزرگ کنکور می‌کنند، المپیاد برایشان یک فرصت است.

برای اینکه متفاوت فکر بکنند که بخشی از توانایی‌ها و مهارت‌ها را تمرین کنند که در حالت عادی در آزمون کنکور مورد توجه نیست. این متفاوت فکر کردن در مورد سؤالات، این تأکید روی



و بقیه برندگان مدال‌های نقره و برنز فقط می‌توانستند رشته زیست‌شناسی دانشگاه‌ها را بخوانند. این روند خیلی عوض شده الان؛ خیلی خیلی بهتر شده و برندگان مدال نقره و برنز برای هر رشته دانشگاهی درصد و سهمیه دریافت می‌کنند، ولی باز به نظرم جای بهتر شدن دارد. و این نگاه صفر و یک به مقوله المپیاد اینکه اگر مدال طلا بگیری از کنکور معافی و ناگهان با حجم زیادی از امکانات و تسهیلات و جوایز برای آدم به وجود می‌آید در مقایسه با مدال نقره و برنز که شرایط بسیار پایین‌تری دارند به نظرم قشنگ نیست و لاقط کسانی که دست‌اندرکار المپیادند خیلی خوب می‌دانند که تفاوت نمره‌هایی که بین بچه‌های نقره و برنز هست و تفاوت نمره‌هایی که بین بچه‌های نقره و طلا هست گاهی اوقات خیلی خیلی کم است و این کنتراست خیلی واضحی که بین جوایز تحصیلی هست به نظرم کمی جای بازنگری و جای بهتر شدن دارد. مشکل سوم که در واقع مشکل المپیاد نیست و مشکل وضعیت فعلی هست که در کشور داریم، بی‌توجهی به علوم پایه است و عدم وجود بازار کار برای رشته‌های علوم پایه باعث شده تا خیلی از بچه‌هایی که در رشته‌های مثل زیست‌شناسی دارای مدال المپیاد می‌شوند برای تحصیل در رشته زیست‌شناسی نروند. خیلی‌ها ترجیح می‌دهند که رشته‌هایی را انتخاب کنند که شرایط شغلی و آینده تضمین شده‌تری دارد و در واقع آن حجم اطلاعات و زحماتی که برای رشته زیست‌شناسی به‌طور خاص کشیدند در واقع بگذارند کنار و رشته دانشگاهی مثل پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی را شروع بکنند که شاید خیلی با مباحثی که در آن‌ها مسلط‌اند هم‌پوشانی ندارد.



**معین قاسمی دارنده مدال طلای کشوری در سال ۱۳۹۵ و مدال نقره جهانی در سال ۲۰۱۷ در انگلستان است. او هم‌اکنون دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران است.**

خلاقیت در حل سؤالات و این عدم تأکید بر پیروی از الگوها و عدم تأکید بر حفظ کردن مطالب، به طور صرف به نظر من از نقاط قوت است که باید نه تنها در المپیاد باقی بماند، بلکه باید در سایر زمینه‌ها تبعیت شود و متأسفانه المپیاد نه تنها المپیاد زیست‌شناسی همه المپیادها در سال‌های قبل با نگاه منفی که بعضی از مدیران در قسمت‌های مختلف بدنه ساختارهای دولتی داشتند کم و بیش تضعیف شده، خیلی‌ها معتقدند که چرا اصلاً ما باید المپیادی برگزار نکنیم و چرا باید تیمی انتخاب نکنیم و این تیم هر سال اعزام شود. خیلی قصد ندارم در این صحبت کوتاه در مورد نفی این طرز فکر صحبت کنم ولی چیزی که از هم صحبتی با این مدیران متوجه شدم، اینکه استدلال خیلی قوی پشت این حرف‌ها نیست ولی عموماً یک برخورد سلیقه‌ای و نگاه سلیقه‌ای به موضوع باعث شکل‌گیری این نگاه و این طرز فکر شده.

کسی منکر ایرادات و اشکالات ممکن در برگزاری المپیاد نیست، ولی پاک کردن صورت مسئله و حذف کردن المپیاد به‌طور کامل هیچ وقت جواب و راهکار نیست. المپیاد نکات مثبت زیادی دارد. چند مورد را در قسمت اول صحبت‌هایم گفتم و به‌نظرم باید این نقاط تقویت شود. به جای اینکه روی ضعف‌ها تأکید نکنیم و ضعف‌ها را برجسته نکنیم و سعی کنیم کل داستان را زیر سؤال ببریم. المپیاد ضعف‌هایی دارد و قطعاً می‌شود بهترش کرد. شاید یکی از اصلی‌ترین ضعف‌ها و ایراداتی که به شکل برگزاری المپیاد بگیریم نیاز به منابع و امکانات آزمایشگاهی و نیاز به معلم برای تدریس و مرور بعضی مباحث هست که به‌طور متوازن در کشور توزیع نشده و این نابرابری در توزیع امکانات گاهی اوقات گریبانگیر المپیاد هست. نتایج المپیاد در چند سال قبل این را نشان می‌دهد که در شهرهای بزرگ‌تر جایی که امکانات آزمایشگاهی بهتر هست. جایی اساتید بهتری هست و جایی که کتب راحت‌تر پیدا می‌شوند نتایج بهتری هم برای مدارس ثبت شده که با ماهیت المپیاد در تضاد است و فرصت‌هایی که من در قسمت‌هایی اول صحبت‌هایم گفتم برای بچه‌ها به‌صورت برابر ایجاد نمی‌شود. موضوع دومی که در مورد المپیاد مطرح است، نحوه توزیع جوایز تحصیلی به برندگان مدال‌ها تو المپیاد کشوری است. سال‌هاست که لاقط تا دوره ۸ المپیاد برندگان مدال طلا از کنکور معاف بودند و برای شرکت در کنکور هر رشته دانشگاهی که دوست دارند، بخوانند



از نظر بخش علمی برگزاری المپیاد تقریباً مشکلی نبود و همه سؤالات مورد تأیید داوران قرار گرفت فقط یک سؤال را به علت اینکه گفتند زیادی سخت است حذف کردند؛ ولی بقیه سؤالات مشکلی نداشت و مورد تأیید داوران بود. از نظر کارهای اجرایی تقریباً همه چیز به خوبی انجام شد فقط یک مقدار هماهنگی بین بخش‌ها پایین بود که چند تا تغییر جزئی توی برنامه‌ای که از قبل اعلام کرده بودند وجود داشت و اینکه محل برگزاری آزمون را که از یک سال یا دو سال قبل از شروع المپیاد اعلام می‌کنند، چند بار عوض شد. به خاطر همین هماهنگی‌های پایین که این هم یک مشکل کوچک بود؛ ولی در کل به خوبی همه چیز برگزار شد و همه شرکت‌کننده‌ها راضی بودند به صورت کلی اگر بخواهیم جایگاه زیست‌شناسی را در مدارس بررسی کنیم معمولاً زیست را به‌عنوان یک درس حفظی و نقطه مقابل ریاضی در نظر می‌گیرند و هر کس ریاضی‌اش ضعیف است برود زیست، برایش بهتر است؛ ولی چیزی که وجود دارد این است که زیست‌شناسی یک موضوع همه‌جانبه است. یعنی در آن هم ریاضی استفاده می‌شود هم شیمی و هم حتی فیزیک و بخش‌های خیلی کمی از آن حفظی است. دیدگاهی که امروزه در جامعه وجود دارد بخش زیادی به خاطر کنکور است و دانش‌آموزان مجبور می‌شوند به خاطر کنکور و امتحاناتی که مدرسه از آن‌ها می‌گیرد زیست‌شناسی را به‌صورت حفظی بخوانند و چیز جذابی برایشان نداشته باشد؛ ولی اگر واقعاً بخواهد زیست‌شناسی به آن‌ها تدریس شود و همراه با کارهای عملی و توی آزمایشگاه باشد، می‌تواند خیلی نکته‌های جذابی برایشان داشته باشد. و خیلی از دانش‌آموزان احتمالاً به زیست‌شناسی علاقه‌مند می‌شوند.

کتاب‌های درسی که با تغییر نظام آموزشی تغییر کردند، تا حدی دارند این مسائل را جبران می‌کنند و مشکلات را حل می‌کنند و دید آزمایشگاهیشان اولاً به قضیه بیشتر می‌شود و اینکه از صرف حفظ بودن دارد

خارج می‌شود. یکی از نقاط قوتی که در نظام آموزشی ما وجود دارد، حضور المپیادهای علمی است که باعث می‌شود دانش‌آموزانی که واقعاً علاقه داشته باشند به یک موضوع خاص بتوانند در آن زمینه فعالیت کنند و نتیجه بگیرند که دانش‌آموزانی که به زیست‌شناسی علاقه داشته باشند بتوانند به راحتی وارد المپیاد زیست‌شناسی شوند و زیست‌شناسی را با یک دید تحلیلی و نه حفظی دنبال کنند. در جذب و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس زیست‌شناسی نقش معلمان خیلی پررنگ است، مخصوصاً در نحوه تدریس. ارزشیابی پایان ترمشان تعیین می‌کند که دیدگاه دانش‌آموز به زیست‌شناسی چگونه باشد. ولی بعضی معلمان ما اکثراً علاقه‌ای به تغییر شیوه تدریسان ندارند و همان به‌صورت گذشته که حفظی درس می‌دادند ادامه می‌دهند. وضعیت زیست‌شناسی داخل دانشگاه هم، هم از نظر شغلی و هم از نظر آموزشی خیلی جایگاه مناسبی ندارد و به همین خاطر است که اکثر دانش‌آموزان تجربی که چه از طریق المپیاد و چه از طریق کنکور می‌توانند داخل دانشگاه‌های برتر شرکت کنند، سمت رشته‌های پزشکی می‌روند و کمتر کسی هست که علاقه‌مند باشد و واقعاً به سمت رشته‌های زیست‌شناسی جذب شود.

دیدگاه جامعه هم نسبت به رشته‌های زیست‌شناسی خیلی دیدگاه مناسبی نیست و آن‌طور که شایسته و بایسته است به آن توجه نمی‌شود. به نظرم مهم‌ترین عاملی که می‌تواند باعث پیشرفت زیست‌شناسی در کشور می‌شود، یکی تغییر نظام آموزشی است که ارزشیابی دانش‌آموزان در درس زیست‌شناسی را از روش حفظی به روش‌های تحلیلی تغییر بدهد و یکی دیگر هم این است که دیدگاه جامعه نسبت به رشته‌های زیست‌شناسی در دانشگاه عوض شود و دانش‌آموزان برترمان بیشتر به سمت رشته‌های دانشگاهی زیست‌شناسی کشیده شوند.

